

مفاخر ایرانی روی اسکناس دیگری رواست؟

در روزنامه‌های خبری خواندم حاکی از این که در کشور آذربایجان تصویر نظامی گنجوی را بر روی اسکناس چاپ کرده‌اند...

خبرگزاری آران/سرویس آذربایجان

در روزنامه‌های خبری خواندم حاکی از این که در کشور آذربایجان تصویر نظامی گنجوی را بر روی اسکناس چاپ کرده‌اند... محمدکاظم کاظمی، در ستون «بدون موضوع» خراسان در ادامه نوشت: این خبر برای من به عنوان یکی از اهالی قلم فارسی زبان، کسی که این زبان و مفاخرش را دوست دارد، به طور طبیعی باید خوشایند باشد. این که اهالی ادب و دانش این زبان در همه جای دنیا قدر و منزلت دارند؛ خیابان‌ها و میدان‌ها به نامشان می‌شود؛ برایشان بزرگداشت می‌گیرند؛ آثارشان ترجمه و چاپ می‌شود و تصویرشان بر روی اسکناس‌ها می‌رود. این خود نشانه‌های قوت و بالندگی این زبان است. ولی تحلیل نویسنده این خبر، این نبود. او از این اتفاق ناراضی بود و عقیده داشت که بدین ترتیب، دیگران مفاخر زبان و ادب ایران را به نام خود می‌کنند. در واقع برای آن روزنامه، این خبر، نوعی اعلام خطر بود. ولی به راستی این خطر است؟ این که بالاخره مردمی در خارج از ایران همه روزه چهره یک شاعر فارسی زبان را بر روی اسکناس‌های خود پیش چشم دارند خطر است؟ وقتی یک شاعر در آنجا چنین مقامی می‌یابد، یعنی توجه به او و آثارش در آن سرزمین بیشتر شده است. شاید بسیاری از جوانان آذربایجان به همین انگیزه، به زبان فارسی و یادگیری آن علاقه‌مند شوند. یا لاقلاً همین زمینه‌ای شود برای ترجمه آثار نظامی به ترکی. این یعنی گسترش آن همه معارف، آموزه‌های اخلاقی و داستان‌های دلپذیر که در خمسه نظامی یافت می‌شود. آن وقت آن مردم به شخصیت‌های تاریخی و شعر و ادبیات داستانی ایران بیشتر علاقه‌مند خواهند شد. من نمی‌دانم چرا باید از این که پل‌هایی برای گسترش این فرهنگ و این زبان به دیگر نقاط دنیا ایجاد می‌شود، بترسیم.

به راستی نظامی از ما باشد بهتر است یا از همه باشد؟ آن وقت در واقع ما هستیم که جهانی شده‌ایم. ما نباید نگران باشیم که دیگران نظامی را از ما می‌گیرند. ما باید بپذیریم که ادبیات، دانش و دیگر موارث معنوی جامعه بشری، بین ملل مختلف تقسیم نمی‌شود، بلکه گسترش می‌یابد. اگر یک غیرمسلمان در جایی از این دنیا مسلمان شود، اسلام را مصادره نکرده است، بلکه آن را گسترش داده است. حال بیاییم و قضیه را از یک جانب دیگر هم ببینیم و خود را به جای مردم آذربایجان بگذاریم. آنها نسبت به شاعری که زادگاه و مدفن او در آنجاست و آنان او را از مفاخر کشور خود می‌دانند، چه بکنند؟ بگویند «نه، این شاعر فارسی‌زبان است و ما را به او کاری نیست. ما نباید او را قدر نهیم، گرامی بداریم و تجلیل کنیم.» یا برعکس، این شاعر فارسی زبان را گرامی بدارند و بکوشند که مردم کشورشان و مردم دیگر جاهای گیتی را هم با این شاعر آشنا سازند. ما نباید اصرار داشته باشیم که هر کس به فارسی شعر گفته و یا کتاب نوشته است از ماست. فارسی، زبان یک تمدن است، نه یک کشور. همه اهالی این حوزه تمدنی حق دارند مفاخر زبان ادب فارسی را گرامی بدارند و ما هم اگر به جای آنان بودیم خود را صاحب این حق می‌دانستیم. /خ
پایان پیام.